

۱۰۰۶۸۷

# دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رسیدگی دیوان عالی کشور در نظام دادرسی کیفری ایران

نگارش : سجاد مظلومی

استاد راهنما : آقای دکتر منصور رحمدل

استاد مشاور : آقای دکتر فیروز محمودی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

۱۳۸۷ / ۷ / ۲۵

رشته : حقوق کیفری و جرم شناسی

سال تحصیلی : ۱۳۸۶-۱۳۸۷

۱۰۵۶۸۷



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی حقوق جزا و جرم شناسی  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: سجاد مظلومی

گرایش:

در رشته: حقوق جزا و جرم شناسی

با عنوان: رسیدگی دیوان عالی کشور در نظام دادرسی کیفری ایران

را در تاریخ: ۱۳۸۷/۳/۲۱

به عدد	به حروف
۱۸۱-	هجدهصد و هشتاد و یک

با نمره نهایی:

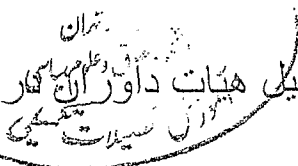
ارزیابی نمود.

عالی

با درجه

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر منصور رحمدل	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر فیروز محمودی	استادیار	"	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر علی خالقی	استادیار	"	
۴	استاد داور (خارجی)	دکتر حسنعلی مؤذن زادگان	دانشیار	دانشگاه علامه طباطبائی	
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر سیده محمد حسینی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر: این برگه پس از تکمیل هیات داوران کار نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.





جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ \_\_\_\_\_  
پرونده شماره \_\_\_\_\_

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب سید رضا نظری متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف ( در هر زمان ) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .  
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

سید رضا نظری  
نام و نام خانوادگی دانشجو  
امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان لخم رازی - پلاک ۵ - کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸  
فکس : ۶۹۹۷۳۱۸

تقدیم ہے

روان پاک ہمہ شہدای مہین عزیزان ایران

روح پدر ہمیدم

و مادر عزیزم بخاطر ایثار و فداکاریهای بی سائبه

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه .....
۵	فصل اول : پیشینه و مبنای تأسیس دیوان عالی کشور .....
۵	مبحث اول : سابقه تاریخی ، موقعیت و سازمان دیوان عالی کشور .....
۵	گفتار اول : سابقه تاریخی دیوان عالی کشور .....
۷	گفتار دوم : موقعیت دیوان عالی کشور .....
۱۰	گفتار سوم : سازمان دیوان عالی کشور .....
۱۰	الف : دادسرای دیوان و وظایف آن .....
۱۰	اول : دادسرای دیوان .....
۱۱	دوم : وظایف دادسرای دیوان .....
۱۴	ب : شعب دیوان .....
۱۶	ج : هیأت عمومی دیوان .....
۱۶	اول : هیأت عمومی شعب حقوقی یا کیفری ( رأی اصراری ) .....
۱۷	دوم : هیأت عمومی وحدت رویه ( رأی وحدت رویه ) .....
۱۸	مبحث دوم : مبنای تأسیس دیوان عالی کشور .....
۱۸	الف : نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم .....
۲۲	ب : ایجاد وحدت رویه قضایی .....
۲۶	ج : انجام مسئولیت هایی که طبق قانون به دیوان عالی کشور محول می شود .....
۲۸	فصل دوم : تحولات قانونگذاری در مورد دیوان عالی کشور .....
۲۸	مبحث اول : از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۳ .....
۲۸	گفتار اول : قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۶ .....
۳۱	گفتار دوم : قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاه ها و نحوه ی رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ .....
۳۳	گفتار سوم : قانون تشکیل دادگاه های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۳/۳۱ .....
۳۶	گفتار چهارم : قانون تجدید نظر آرای دادگاه ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۷ .....
۳۷	مبحث دوم : از سال ۱۳۷۳ تا کنون .....

۳۷	..... گفتار اول: قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵
۴۱	..... گفتار دوم: قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۲
۴۲	..... گفتار سوم: قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸
۵۴	..... فصل سوم: حدود صلاحیت دیوان عالی کشور
۵۴	..... مبحث اول: مفهوم رسیدگی و انواع آن
۵۴	..... گفتار اول: مفهوم رسیدگی
۵۵	..... گفتار دوم: انواع رسیدگی
۵۵	..... الف: رسیدگی شکلی
۵۶	..... ب: رسیدگی ماهوی
۵۷	..... مبحث دوم: قوانین شکلی و ماهوی و معیار تشخیص آنها
۵۷	..... گفتار اول: قانون شکلی
۵۸	..... گفتار دوم: قانون ماهوی
۵۸	..... گفتار سوم: معیار تشخیص قوانین ماهوی از قوانین شکلی
۶۰	..... گفتار چهارم: فایده های تقسیم بندی قوانین جزایی به ماهوی و شکلی
۶۰	..... مبحث سوم: قلمرو قوانین شکلی
۶۰	..... گفتار اول: قلمرو قوانین آئین دادرسی کیفری
۶۰	..... اول: قلمرو قوانین آئین دادرسی کیفری در زمان
۶۱	..... دوم: قوانین آئین دادرسی کیفری عطف به ماسبق می گردد.
۶۱	..... سوم: قوانین مربوط به سازمان، تشکیلات و صلاحیت محاکم کیفری
۶۲	..... گفتار دوم: قوانین مربوط به جریان دادرسی
۶۲	..... گفتار سوم: قوانین مربوط به مرور زمان
۶۳	..... گفتار چهارم: قلمرو قوانین آئین دادرسی کیفری در مکان
۶۳	..... مبحث چهارم: حدود صلاحیت شکلی دیوان عالی کشور
۶۵	..... گفتار اول: رسیدگی فرجامی قبل از انقلاب اسلامی
۶۷	..... بند اول: آراء قابل فرجام
۶۷	..... الف: آراء قابل فرجام در زمان حکومت قانون اصول تشکیلات عدلیه
۶۷	..... ب: آراء قابل فرجام در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ با اصلاحات بهمن ماه ۱۳۵۲

۶۸	..... اول : چه اشخاصی حق فرجام خواهی دارند؟
۷۰	..... دوم : مهلت فرجام خواهی
۷۰	..... بند دوم : آراء غیر قابل فرجام در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۲۹۰
۷۲	..... بند سوم : آراء قابل فرجام در قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸
۷۳	..... گفتار دوم : رسیدگی فرجامی بعد از انقلاب اسلامی
۷۴	..... مبحث پنجم : حدود صلاحیت ماهوی دیوان عالی کشور
۷۶	..... گفتار اول : تفکیک حکم از موضوع در قانون ایران
۷۹	..... گفتار دوم : تفکیک حکم از موضوع در فقه امامیه
۸۱	..... فصل چهارم : دیوان عالی کشور مرجع تجویز اعاده دادرسی
۸۱	..... مبحث اول : تجویز اعاده دادرسی نسبت به آراء قطعی در امور کیفری
۸۱	..... گفتار اول : کلیات
۸۲	..... گفتار دوم : جهات اعاده دادرسی
۸۷	..... گفتار سوم : مهلت تقاضای اعاده دادرسی
۸۷	..... گفتار چهارم : متقاضی اعاده دادرسی
۸۹	..... گفتار پنجم : مرجع صالح تقدیم درخواست و مرجع صالح رسیدگی در زمان حاکمیت قانون سابق ( قانون اصلاحی ۱۳۸۱)
۹۰	..... گفتار ششم : مرجع صالح تقدیم درخواست اعاده دادرسی در زمان حاکمیت قانون فعلی ( ماده واحده اصلاحی ۱۳۸۵)
۹۱	..... گفتار هفتم : ترتیبات رسیدگی و آثار اعاده دادرسی
۹۲	..... گفتار هشتم : نحوه رسیدگی دیوان عالی کشور در مقام اعاده دادرسی
۹۳	..... مبحث دوم : رسیدگی شعب تشخیص در نظام قضائی ایران
۹۳	..... گفتار اول : تشکیل شعب تشخیص
۹۴	..... گفتار دوم : جهات تجدید نظر
۹۴	..... بند اول : خلاف بین قانون
۹۵	..... بند دوم : خلاف بین شرع
۹۶	..... گفتار سوم : رسیدگی در شعب تشخیص به درخواست تجدید نظر
۹۷	..... بند اول : آثار تجدید نظر خواهی در شعب تشخیص
۹۷	..... بند دوم : نحوه صدور رأی در شعب تشخیص
۱۰۱	..... مبحث سوم : ماده واحده اصلاحی قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴



- گفتار اول: جهات اعاده دادرسی مذکور در ماده واحده اصلاحی ..... ۱۰۳
- گفتار دوم: مهلت تقاضای اعاده دادرسی مذکور در ماده واحده اصلاحی ..... ۱۰۴
- گفتار سوم: خلاف بین شرع مذکور در ماده واحد اصلاحی ..... ۱۰۴
- گفتار چهارم: متقاضی اعاده دادرسی مذکور در ماده واحده اصلاحی ..... ۱۰۵
- گفتار پنجم: رسیدگی رئیس قوه قضائیه در جهت احراز خلاف بین شرع ..... ۱۰۷
- نتیجه گیری: ..... ۱۰۹
- منابع و مأخذ: ..... ۱۱۲

## الف) بیان مسأله و اهمیت آن

انسان بنا به فطرت و طبیعت اجتماعی خویش تمایل به استقرار نظم، عدالت و امنیت اجتماعی داشته و خواهان برقراری نظم و امنیت در زندگی اجتماعی خویش می باشد.

نیل به این امر در جوامع پیچیده بشری از طریق اجرای صحیح قوانین در تمام نهادهای دولتی و دستگاه های اجرایی میسر خواهد شد، اجرای صحیح قوانین مورد توجه قانونگذاران اساسی کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر وظیفه قوه قضائیه در نظارت بر حسن اجرای قوانین در کشور به موجب بند سوم اصل یکصد و پنجاه و شش تأکید کرده است.

اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم را به دیوان عالی کشور که عالی ترین مرجع قضایی می باشد، تفویض نموده و دیوان عالی کشور بر اساس این اصل نسبت به حسن اجرای قوانین در محاکم اعم از قوانین شکلی و ماهوی نظارت دارد. رسیدگی در دیوان عالی کشور به صورت شکلی است و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی پرونده و حکم دادگاه و تطبیق مورد با قانون، اگر حکم دادگاه را صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص دهد آن را ابرام و چنانچه از لحاظ عدم رعایت اصول قضایی و قوانین موضوعه حکم دادگاه را صحیح نداند، با اعمال نظارت قانونی آن را نقض می کند و رسیدگی را به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم ارجاع می دهد تا به موضوع مجدداً رسیدگی ماهوی شود.

این مسئولیت عظیم دیوان عالی کشور دارای سابقه تاریخی تقنینی در کشور ایران می باشد به نحوی که در اصل هفتاد و پنج متمم قانون اساسی مشروطیت و ماده ۱۱ قانون اصول تشکیلات عدالیه مصوب ۱۳۰۷ به این مهم پرداخته شده است.

ماده ۱۱ قانون اصول تشکیلات عدلیه مقرر می داشت «... دیوان تمیز در غیر مواردی که قانون استثناء کرده داخل ماهیت دعوی نشده، فقط حق نقض و ابرام احکام و نظارت در محافظت قانون و اجرای آن را بالسویه در تمام محاکم عدلیه دارد.»

پس از انقلاب اسلامی و تلاش قانونگذار بر اسلامی کردن قوانین جاریه کشور، قوانین آئین دادرسی کیفری دستخوش تغییرات عمیقی شد، به نحوی که آراء صادره از محاکم قطعی و غیر قابل تجدیدنظر اعلام گردید و مواد تجدیدنظر احصاء و رسیدگی یک درجه ای شد و با تصویب قانون تجدیدنظر آراء دادگاهها مصوب ۱۳۷۲ دیوان عالی کشور نام مرجع تجدیدنظر به خود گرفت و با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ اصطلاحاتی از قبیل فرجام خواهی و استیناف از سیستم قضایی کشور حذف و موقعیت دیوان عالی کشور بعنوان ناظر حسن اجرای قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی کم رنگ و متزلزل گردید.

ماده ۲۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصب ۱۳۷۸ مقرر می دارد: « رسیدگی در دیوان عالی کشور شکلی است و اطراف دعوا یا وکلای آنها جهت رسیدگی احضار نمی شوند مگر آنکه شعبه رسیدگی کننده حضور آنها را لازم بداند عدم حضور احضار شوندگان موجب تأخیر در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمی گردد. »  
حال با طرح این مسئله در صدد پاسخگویی به این سؤال هستیم که در وضعیت فعلی نوع رسیدگی دیوان عالی کشور چگونه می باشد؟

### ب) سوالات تحقیق

#### سوال اول :

آیا بعنوان عالی ترین مرجع قضایی صلاحیت رسیدگی آن همانند قبل از انقلاب اسلامی ، جز در موارد استثنایی محدود به رسیدگی شکلی یا به دیگر سخن رسیدگی فرجامی می باشد؟

#### سوال دوم :

آیا دیوان عالی کشور صرفاً براساس رسیدگی شکلی و بدون ورود در ماهیت دعوی می تواند نقش خویش را در نظارت عالی بر اجرای صحیح قوانین در محاکم اعمال کند یا خیر ؟

### ج) هدف تحقیق

هدف اصلی از نگارش این پایان نامه تأکید بر رسالت و جایگاه دیوان عالی در نظام قضایی ایران ، شیوه های نظارت دیوان ، نقش آن در نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و اجرای عدالت می باشد و بر فرضیات زیر استوار گردیده است.

### د: فرضیات تحقیق

#### فرضیه اول :

در حال حاضر نیز دیوان عالی کشور همانند قبل از انقلاب اسلامی اصولاً رسیدگی شکلی می کند با این تفاوت که محدوده رسیدگی ماهوی در آن گسترش یافته است.

#### فرضیه دوم:

رسیدگی شکلی توسط دیوان عالی کشور در برخی موارد بدون رسیدگی ماهوی و ورود در ماهیت پرونده امکان پذیر نیست.

### هـ) روش تحقیق:

روش تحقیق پایان نامه حاضر کتابخانه ای بوده که با مراجعه به منابع شامل کتب، مقالات صاحب نظران و محققین بصورت مستقیم یا غیرمستقیم و بررسی دقیق قوانین موجود انجام گرفته است. لازم به ذکر است که منابع مورد مطالعه در این خصوص محدود بوده و جزء چندین مقاله و کتاب که بصورت مختصر به بحث حاضر پرداخته است، اثر دیگری به رشته تحریر در نیامده است و همین امر نگارنده را با مشکلات خاصی در امر نگارش پایان نامه مواجه نموده است.

### و) ساختار تحقیق

پایان نامه حاضر در چهار فصل جداگانه ترتیب داده شده است. فصل اول ضمن دو مبحث و چندین گفتار، پیشینه و سابقه تاریخی دیوان عالی کشور، موقعیت، سازمان و مبنای تأسیس دیوان عالی را مورد مطالعه و کنکاش قرار داده است.

فصل دوم به تحولات قانونگذاری در مورد دیوان عالی کشور، از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۳، در مبحث اول و از سال ۱۳۷۳ تاکنون در مبحث دوم و نیز به تجزیه و تحلیل ماده ۲۶۴ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ پرداخته است.

فصل سوم حدود صلاحیت دیوان عالی کشور را مورد بحث و مذاقه قرار داده است و طی چهار مبحث، شش گفتار و چندین بند مفهوم رسیدگی و انواع آن، قانون شکلی، قانون ماهوی، معیار تشخیص قوانین ماهوی از قوانین شکلی، قلمرو قوانین شکلی، حدود صلاحیت شکلی دیوان عالی کشور، آراء قابل فرجام قبل از انقلاب اسلامی، وضعیت فرجام خواهی بعد از انقلاب اسلامی، مفهوم رسیدگی ماهوی، حدود صلاحیت ماهوی دیوان عالی کشور و ... مورد مطالعه قرار گرفته است. در این فصل با نگاهی دقیق به مطلب پرداخته شده است.

در فصل چهارم تحت عنوان دیوان عالی کشور، مرجع تجویز اعاده دادرسی ضمن سه مبحث، چندین گفتار و بند اعاده دادرسی در امور کیفری، جهات اعاده دادرسی، متقاضی اعاده دادرسی، مرجع صالح تقدیم درخواست اعاده دادرسی در زمان حاکمیت قانون سابق و قانون فعلی (ماده ۱۸ قانون اصلاح ق.ت.د.ع.ا. ۱۳۸۵) رسیدگی شعب تشخیص در نظام قضائی ایران، نوع رسیدگی دیوان عالی کشور در مقام اعاده دادرسی، ماده واحده اصلاحی قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵ و ... مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.

آنچه که مسلم است پایان نامه حاضر خالی از عیب و ایراد نیست و دارای نواقص و اشکالات می باشد. امید است که در شأن و مقبول جامعه علمی کشور بوده و در حل معضلات حقوقی بیش از پیش راهگشا باشد.

در پایان برخود فرض می دانم مراتب تشکر و سپاس ویژه خویش را از اساتید محترم راهنما و مشاور آقایان دکتر منصور رحمدل و دکتر فیروز محمودی و اساتید محترم داور اعلام داشته و برای آن عزیزان آرزوی

توفیق روز افزون و بهروزی را بنمایم و شایسته است از زحمات استاد گرانقدر آقای دکتر سیدعلی آزمایش  
که در تنظیم فهرست مطالب کمک شایانی مبذول داشتند قدردانی نمایم.

## فصل اول : پیشینه و مبنای تأسیس دیوان عالی کشور

مبحث اول : سابقه تاریخی ، موقعیت و سازمان دیوان عالی کشور

گفتار اول : سابقه تاریخی دیوان عالی کشور

در خصوص منشأ تاریخی دیوان عالی کشور یکی از حقوق دانان بیان می دارند : « دیوان عالی کشور مرجعی است که منشأ تاریخی آن را باید در فرانسه جستجو نمود. البته در دوران هخامنشیان ، همانطور که گفته شد مرجعی قضایی تحت عنوان « محکمه عالی » تشکیل می گردید که برخی وظایف آن بی شبهات به پاره ای از وظایف دیوان عالی کشور نبود. اما در فرانسه در زمان ملوک الطوائفی ، مجالسی از بزرگان کشور و روسای طوایف برای مشورت در امور کشور ، بطور غیر مستمر تشکیل می گردید که بعداً با الحاق قاعده ای از حقوق دانان و سایر علماء و ارباب عنوان شورای شاهی به آن داده شده. شورای شاهی از قرن شانزدهم به بعد وضعیت ثابتی پیدا نمود و به سه شعبه تقسیم گردید که یکی از آنها به امور قضایی اختصاص یافت. افزایش اهمیت شعبه قضایی منتهی به این گردید که شعبه مزبور از قرن هفدهم بعضی از دعاوی را ، به نام پادشاه ، از دادگاهی به دادگاه دیگر احاله نموده و حل اختلاف در صلاحیت دادگاه های وقت را عهده دار گردیده و همچنین آن دسته از احکام دادگاه ها را که برخلاف فرامین و عرف و عادت صادر شده بود نقض و امر را به دادگاه دیگری ، جهت رسیدگی ، ارجاع می نمود. بنابراین می توان گفت که ، در فرانسه دیوان عالی کشور از آن زمان ، موقعیتی کم و بیش مشابه موقعیت فعلی را حائز گردیده بود.<sup>۱</sup>

تا قبل از انقلاب مشروطه ، ایران فاقد دادگستری منظم بود و حکام بر حسب فهم خویش از آموزه های دین اسلام و عرف بین مردم به دادرسی می پرداختند. استبداد و بیداد مشروطه موجب شد که اولین خواست مشروطه خواهان تاسیس عدالتخانه باشد. پس از پیروزی انقلاب مشروطه ، قانون اساسی مشروطه سلطنتی در چهارم ذیقعده ۱۳۲۴ به وسیله مظفرالدین شاه امضاء و در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ محمد علی شاه متمم قانون اساسی را امضاء نمود.

<sup>۱</sup> - دکتر عبدالله شمس ، آیین دادرسی مدنی ، جلد اول ، نشر میزان ، چاپ اول پائیز ۱۳۸۰ ، ص ۱۱۰-۱۰۹ .

به موجب اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مشروطه، اصل تفکیک قوا پذیرفته شد و اصول هفتاد و یکم الی هشتاد و پنج به اقتدارات محاکمات اختصاص یافت و شیوه کار دادگاهها را تعیین نمود.

اصل هفتاد و یکم قانون مذکور مقرر می داشت: «دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسیدگی عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است.»

به موجب اصل هفتاد و پنج متمم قانون اساسی، دیوان عالی کشور تحت نام، دیوانخانه تمیز تاسیس گردید. اصل مذکور اعلام می داشت: «در تمام مملکت فقط یک دیوانخانه تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانه تمیز در هیچ محاکمه ابتدایی رسیدگی نمی کند مگر در محاکماتی که راجع به وزراء باشد.»<sup>۱</sup> دیوان عدالت عظمی در واقع همان دیوان تمیز بود و به منظور پاسداری از اصل هشتم متمم قانون اساسی پیش بینی شده بود. اصل هشتم متمم قانون اساسی مقرر داشت: «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.» بدین ترتیب دیوان عالی کشور به شکل قانونی و امروزی خود تاسیس گردید.

در سال ۱۳۲۹ قمری یعنی ۵ سال بعد از تصویب متمم قانون اساسی، قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی در ۸۱۲ ماده تصویب گردید. این قانون شیوه دادرسی در ایران را متحول کرد و بدین ترتیب دادگستری در ایران سامان یافت. فصل سوم قانون مذکور از ماده ۵۴۱ الی ۵۸۵ به چگونگی رسیدگی دیوان تمیز اختصاص یافت و بدین ترتیب دیوان تمیز یا دیوان عدالت عظمی آن گونه که اصل هفتاد و یکم قانون اساسی مقرر داشته بود، تاسیس گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و تأسیس حکومت براساس آموزه های دین مبین اسلام و مکتب شیعه، روحانیان سعی فراوانی نمودند که قوانین به خصوص قوانین آیین دادرسی کیفری را به اندیشه فقیهان اسلامی نزدیک سازند و این گونه بود که قوانین آیین دادرسی کیفری دستخوش تغییرات بیشتری شد.

<sup>۱</sup> - مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور، جلد دوم، نشر اداره وحدت و نشر مذاکرات هیأت عمومی دیوان عالی کشور، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۲، مقدمه کتاب

بموجب ماده واحده « لایحه قانونی انحلال دیوان عالی کشور و دادسرای آن و دادگاه های انتظامی و تجدید نظر انتظامی » دیوان عالی کشور و دادسرای آن و دو مرجع دیگر منحل اعلام شد و مقرر گردید سازمان و تشکیلات جدید ظرف سی روز تعیین و اعلام شود.<sup>۱</sup>

مدت رسیدگی یک مرحله ای گردید و احکام دادگاه ها قطعی اعلام شد. زمانی دیوان عالی کشور به مرجع تجدید نظر از احکام دادگاه ها تبدیل گردید.

### گفتار دوم: موقعیت دیوان عالی کشور

دادگستری مرجع رسیدگی تظلمات و شکایات عمومی می باشد و اجرای عدالت زمانی تحقق می یابد که قضات محاکم در مورد شکایات و تظلمات مردم بدو موضوع شکایت را بررسی نموده و با ارزیابی دلایل و تحقیق لازم حکم قضیه را در قانون مدون یافته و تصمیم قضایی اتخاذ نماید، در واقع قاضی با استفاده از قوانین شکلی دادرسی را انجام می دهد و بر اساس قوانین ماهوی اقدام به صدور حکم می نماید، تصمیماتی که قضات محاکم بصورت حکم یا قرار اتخاذ می نمایند ممکن است بر اثر اشتباه قاضی یا عدم رعایت قوانین شکلی یا ماهوی مورد اعتراض طرفین دعوی قرار گیرد، در این قبیل موارد احکام محاکم بایستی در مرجعی بالاتر که صلاحیت چنین امری را دارد مورد بررسی قرار گیرد و دیوان عالی کشور در همین راستا به موجب اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی نسبت به حسن اجرای قوانین شکلی و ماهوی در محاکم نظارت دارد.

آقای دکتر احمد متین دفتری در خصوص موقعیت دیوان عالی کشور در نظام قضایی ایران بیان می دارند.<sup>۲</sup>

«هم قانون اصول تشکیلات ۱۳۲۹ قمری و هم قانون تشکیلات ۱۳۰۷ دیوان کشور را (که در زمان وضع آن قوانین موسوم به دیوان تمیز بوده و بعد که در سال ۱۳۱۸ نام دادگاهها مانند بعضی از کشورها از روی

<sup>۱</sup>- دکتر عبدالله شمس، همان منبع، ص ۱۱۱.

<sup>۲</sup>- دکتر احمد متین دفتری، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، انتشارات مجد، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۱، ص ۷۱.



حوزه صلاحیت آنها معین و حوزه آن دیوان چون تمام قلمرو کشور است نام آنرا به دیوان کشور تبدیل نمودیم) موضوع یکی از فصول باب اول راجع به دادگاههای عمومی قرار دادند.»

دیوان عالی کشور با اعمال نظارت قانونی خود از طریق نقض و ابرام احکام یا تشخیص صلاحیت دادگاه های دادگستری و مراجع غیر دادگستری یا رفع اختلاف بین مراجع قضایی نقش خود را در ارشاد قضات محاکم به بهترین وجهی ایفا می کند، برای اینکه دیوان عالی کشور بتواند به وظایف قانونی خود عمل نموده و بر احکام و قرارهای صادره از محاکم اعمال نظارت نماید و به شکایات مردم نسبت به تصمیمات دادگاه ها در جهت حسن اجرای قوانین رسیدگی نماید، قوانین و مقررات خاصی تصویب شده است که راه نظارت دیوان عالی کشور را بر احکام و قرارهای محاکم هموار ساخته است.

دیوان عالی کشور بموجب اختیاراتی که قانون به آن اعطاء نموده است نسبت به دادگاه های کیفری سلطه و آمریت دارد، بدین صورت که هرگاه از نظر حفظ نظم و امنیت ضروری باشد می تواند رسیدگی به دعوی کیفری را از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر احاله دهد، چنین اختیاری در ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ اعطاء گردیده است که پس از تشخیص رئیس قوه قضائیه یا دادستان کل کشور احاله پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر منوط به موافقت دیوان عالی کشور می باشد. نیز دیوان عالی کشور بموجب ماده ۲۷۴ قانون مزبور می تواند برای جبران اشتباهات قضایی حکم به پذیرش تقاضای اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی دادگاههای کیفری اعم از اینکه به اجرا گذاشته یا نشده باشد، صادر نماید.

در قوانین موضوعه سابق دیوان عالی کشور دارای موقعیت های فراوانی در نظام قضایی ایران بوده است بعنوان مثال بموجب اصل ۷۵ متمم قانون اساسی مشروطیت و قانون محاکمه وزرا مصوب ۱۳۰۷ رسیدگی به اتهام نخست وزیر یا وزیر یا کفیل رسمی یکی از وزارتخانه ها در هیأت عمومی دیوان کشور باحضور تمام مستشاران صورت می گرفت<sup>۱</sup>، لیکن در حال حاضر دیوان عالی کشور چنین موقعیتی را ندارد چرا که براساس اصل ۱۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تبصره ماده ۴ قانون اصلاح قانون

<sup>۱</sup> - دکتر احمد متین دفتری، همان منبع، ص ۶۹ - ۷۰.

تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ رسیدگی به اتهام رئیس جمهور، وزرا و معاونان آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می باشد، البته لازم به ذکر است با توجه به اینکه به موجب اصل ۱۱۲ قانون اساسی اعضاء ثابت و متغیر مجمع تشخیص مصلحت نظام را مقام معظم رهبری تعیین می نماید، صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان تهران به اتهام رئیس جمهور منوط به عضویت وی در مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد، یا بموجب ماده ۶۴ قانون استخدام کشوری و ماده ۳۵ قانون استخدام قضات مصوب ۱۳۰۶ مرجع شکایت مردم از وزرا در موارد نقض یکی از مواد قانون استخدام دیوان کشور بوده است.<sup>۱</sup> ولی در وضعیت فعلی با توجه به تشکیل دیوان عدالت اداری بموجب اصل ۱۷۳ قانون اساسی رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آئین نامه های دولتی در صلاحیت دیوان عدالت اداری می باشد و دیوان عالی کشور دیگر چنین موقعیتی را در نظام قضایی ایران ندارد.

براساس نظر یکی از حقوقدانان، دیوان عالی کشور سابقاً دارای اختیار مطلق بوده، به نحوی که می توان گفت آراء آن اعتبار قانون را دارا بوده و به قوه مقننه تجاوز و در حکم قانون تلقی می شد زیرا براساس ماده ۵۷۶ قانون آئین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ هرگاه حکمی در دیوان کشور نقض می گردید و حکم دادگاه مرجوع الیه مستند به همان علل و اسبابی بود که حکم سابق بر مبنای آن صادر گردیده بود، پس از رسیدگی موضوع در هیأت عمومی دیوان کشور چنانچه هیأت مزبور مستند به همان علل و اسباب که باعث نقض حکم اول شده بود حکم دوم را نقض می کرد دادگاه ماهوی مکلف به تبعیت از نظر دیوان کشور بود.<sup>۲</sup> در حال حاضر به موجب بند ج ماده ۲۶۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ پس از رسیدگی موضوع در هیأت عمومی شعب کیفری دادگاه مرجوع الیه تکلیفی به تبعیت از نظر دیوان عالی کشور ندارد و با توجه به استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور حکم مقتضی صادر می نماید.

<sup>۱</sup> - دکتر احمد متین دفتری، همان منبع، ص ۷۰.

<sup>۲</sup> - دکتر احمد متین دفتری، همان منبع، ص ۷۰.

گفتار سوم : سازمان دیوان عالی کشور

الف : دادسرای دیوان و وظایف آن

اول: دادسرای دیوان

دادسرای دیوان عالی کشور در معیت دیوان عالی کشور تشکیل میشود و مرکب از دادستان کل کشور، یک نفر معاون اول و به تعداد لازم دادیار و معاون می باشد. ریاست دادسرای دیوان عالی کشور بر عهده دادستان کل کشور می باشد و از لحاظ سلسله مراتب عالی ترین مقام قضایی محسوب می گردد.

بر اساس اصل ۱۶۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸ دادستان کل کشور باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشد. رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور، دادستان کل را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند.

دادسرای دیوان عالی کشور دارای یک مدیر دفتر کل و به تعداد لازم کارمند اداری است که امور دفتری را اداره می کند.<sup>۱</sup>

« دادسرای دیوان عالی کشور تحت عنوان «پارکه دیوان تمیز» در ماده ۱۱۳ ق.ا.ت.ع مصوب ۱۳۲۹ قمری مرکب از مدعی عمومی کل و یک نفر معاون او ، موسوم به وکیل عمومی محکمه تمیز ، پیش بینی شد. در ماده ۵۴ ق.ا.ت.ع مصوب ۱۳۰۷ شمسی « پارکه دیوان عالی تمیز» علاوه بر مدعی العموم (دادستان) کل و یک نفر معاون اول، دارای معاون دوم به تعداد لازم گردید. نام پارکه در سال ۱۳۱۷ ، در ضمن تعیین نامهای پارسی برای دیگر سازمانهای دادگستری به لغت «دادسرا» تبدیل گردید و بنابراین از آن پس تأسیس مزبور، تحت عنوان دادسرای دیوان عالی کشور (دادسرای کل) شناخته شد.»<sup>۲</sup>

بر اساس نظر یکی از اساتید حقوق کیفری: « دادسرای دیوان کشور در تعقیب جرایم نقش مهمی بعهدہ ندارد مگر در مورد جرایمی که رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد.

<sup>۱</sup> - دکتر محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم، زمستان ۱۳۸۰، ص ۶۴.

<sup>۲</sup> - دکتر عبدالله شمس، همان منبع، ص ۱۱۶.

در صورتیکه محاکمه وزراء را هنوز هم در صلاحیت دیوان عالی کشور بدانیم دادسرای دیوان مزبور بار این تعقیب را بعهدہ خواهد داشت.<sup>۱</sup> با توجه به اینکه در وضعیت کنونی به موجب تبصره ماده ۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ رسیدگی به اتهام وزرا در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می باشد ، لذا دادسرای دیوان عالی کشور نقشی در تعقیب کیفری این جرایم برعهده ندارد و دادسرای عمومی و انقلاب تهران عهده دار این امر می باشد.

وظایف دادسرای دیوان عالی کشور همان وظایفی است که در قوانین دادستان کل کشور برعهده دارد که قسمتی از این وظایف را شخصاً انجام می دهد و قسمتی را نیز به معاونان و دادیاران دادسرای دیوان ارجاع می کند.<sup>۲</sup>

#### دوم : وظایف دادسرای دیوان

دادسرای دیوان عالی کشور و دادستان کل بعنوان رئیس دادسرا دارای وظایف مهم و حساسی به شرح زیر می باشد:

الف) اعلام احکام کیفری مختلف صادره از شعب دیوان عالی کشور در موضوع واحد به هیأت عمومی دیوان عالی برای ایجاد وحدت رویه قضایی.<sup>۳</sup>

به موجب ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ : هرگاه در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی ، کیفری و امور حسبی رویه های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی کشور و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل با حضور سه چهارم رؤسا، مستشاران و اعضای معاون شعب دیوان تشکیل می یابد و موضوع مورد اختلاف را بررسی کرده و نسبت به آن اتخاذ تصمیم می نماید. در این صورت رأی اکثریت که مطابق موازین شرعی

۱- دکتر محمود آخوندی ، همان منبع ، ص ۶۴ .

۲- دکتر محمود آخوندی ، همان منبع ، ص ۶۴ .

۳- دکتر محمود آخوندی ، همان منبع ، ص ۶۵ .